

تحلیل نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن شهری در برابر زلزله

حسین حاتمی‌نژاد - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
شهرام بذرافکن - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
محمود آروین* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۱

چکیده

در مدل‌های اخیر توسعه که از سوی سازمان‌های بین‌المللی ترویج می‌شود، برای بهبود کیفیت زندگی شهری و نیل به توسعه پایدار شهری، الگوی حکمروایی خوب شهری مطرح می‌شود که بر مبنای آن می‌توان سلامت، نظم و امنیت، پیشرفت و رفاه را به صورت توأمان محقق کرد. نظریه‌ی حکمروایی خوب شهری که مورد پذیرش نخبگان و صاحب‌نظران و تأکید سازمان‌های جهانی و به‌ویژه هیئت‌اتر^۱ قرار گرفته، در صدد است تا شهرها کارآمدتر، عادلانه‌تر، ایمن‌تر و پایدارتر شوند. هدف تحقیق، تحلیل نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن شهری در برابر زلزله می‌باشد. پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. در قسمت تحلیل داده‌ها از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار smart pls3 برای بررسی مدل مفهومی تحقیق بهره گرفته شده است. در این پژوهش از شاخص‌های مشارکت، قانونمندی، شفافیت، توافق جمعی، مسئولیت‌پذیری، عدالت محوری، پاسخگویی و کارایی و اثربخشی با ۳۸ سؤال استفاده شده است. جامعه آماری، کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی شهری می‌باشند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۴۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که همه شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن دارای اهمیت می‌باشند. لذا در ایجاد شهرهای پایدار و ایمن، مشارکت مردم، رعایت قوانین، احترام به حقوق دیگران، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، شفاف بودن عملکرد مدیران و مسئولان شهری در قبال شهروندان منجر به افزایش کارایی و اثربخشی؛ و در نهایت منجر به رهیافت حکمروایی خوب شهری خواهد شد که می‌تواند متضمن و کاهش آسیب‌پذیری مسکن باشد.

واژگان کلیدی: حکمروایی خوب شهری، آسیب‌پذیری مسکن، مدیریت شهری، زلزله، مدل‌سازی معادلات ساختاری

نحوه استناد به مقاله:

حاتمی‌نژاد، حسین، بذرافکن، شهرام، آروین، محمود. (۱۳۹۶). تحلیل نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن شهری در برابر زلزله. مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲ (۴۰)، ۵۹۹-۶۱۷.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_535790.html

مقدمه

توسعه شهرنشینی و رشد شهرها و شهرگرایی در سده اخیر ابعاد تازه‌ای به مسائل شهری بخشیده و مراقبت و هدایت توسعه شهر و ساماندهی شهرها و مناطق پیرامون آن اهمیت ویژه‌ای یافته است. در این میان نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی می‌تواند در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه شهری مهم‌ترین نقش را ایفا کند، زیرا عامل تنظیم‌کننده برنامه‌های شهری و نحوه برخورد با مسائل شهرها از کارایی مدیریت شهری نشأت می‌گیرد (Rajabdoost, 2007: 2). از سوی دیگر آثار منفی رشد شهری در کشورهای درحال توسعه بسیار نگران‌کننده است. رشد شهری هر ساله موجب افزایش فراوان جمعیت شهرهای بسیاری از این کشورها می‌شود و آن‌ها را به مبارزه برای چیرگی بر پیامدهای آن وا می‌دارد. مسائل عمده‌ای چون اشتغال، مسکن، تأمین خدمات و بهداشت از جمله نتایج رشد شهری است. این مسائل در بیشتر کشورهای درحال توسعه رایج است. ناتوانی بسیاری از شهرها در تأمین کار، مسکن و خدمات متناسب با افزایش جمعیت، سبب شهرنشینی لگام‌گسیخته‌ای می‌شود که پیامدهای مهمی برای کیفیت زیست و ثبات اجتماعی شهرها به همراه دارد (Burakpour & Asadi, 2011: 16). بنابراین امروزه مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است و شهرها برای آن برنامه‌ریزی می‌شوند تا بتوانند رفاه و آسایش ساکنان خود را تأمین کنند. در این میان جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه‌های شهری نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده دارد. چرا که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می‌تواند در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه شهری مهم‌ترین نقش را ایفا کند (shia, 2003: 9).

نگاهی به وضعیت مدیریت شهری در ایران نشان می‌دهد به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون‌زا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتی و مبتنی بر نفت، مدیریت شهری در سیطره دولت است و مدام از مدیریت سیستمی و یکپارچه فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و همچنین از روند شهرنشینی و مسائل برآمده از این شهرنشینی، عقب‌مانده و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار گردیده است (Taghvaei & Tajdar, 2009: 47). از این رو اصلاح و بازنگری ساختار نظام مدیریتی در کشور و تطابق آن با تحولات نوین در عرصه مدیریت شهری به‌طور جدی ضروری می‌باشد و می‌بایست مابین رویکردهای نوین و شرایط و ویژگی‌های ضروری اجتماعی، اقتصادی حاکم بر مدیریت شهری ایران از رهیافت‌های مؤثر در اصلاح و ارتقای مدیریت شهرها بهره برد. در حال حاضر رویکرد "حکمرمایی خوب شهری" عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت شهری معرفی می‌شود (Torabi, 2004: 6). در واقع، پس از مطرح‌شدن حکمرمایی خوب یا نظام اداره خوب در جهان (که اکثر کشورهای توسعه‌یافته، امروزه از این الگو استفاده می‌کنند و کشورهای درحال توسعه فاقد ابزارهای اجرایی آن هستند) لازم است بازنگری کلی در شیوه حکومتی و مدیریتی در شهرهای کشورهای درحال توسعه صورت گیرد؛ زیرا که پس از مشاهده مشکلات عدیده ناشی از شیوه‌های مدیریتی متمرکز، می‌توان به این نتیجه رسید که برای دستیابی به توسعه منطقه‌ای و محلی، باید خود مردم را درگیر مسئله کرد و این امر نیازمند ایجاد جوامع مدنی است. اصلی‌ترین ویژگی این جوامع (جوامع مدنی) وجود نهادهای حائل میان مردم است (Ismail Zade & Sarafi, 2006: 3).

حکمرمایی، هم با مسئولیت حکومت و هم با تعهد شهروندان ارتباط دارد و از این رو، دولت و سایر ارکان جامعه را در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی شامل می‌شود. این مفهوم به‌منظور توجه به نقش روزافزون سایر بازیگران و بهره‌ورانی که علاوه بر دولت در رشد و توسعه جامعه نقش دارند؛ عمومیت یافته است (Burakpour & Basirat, 2011). در مجموع حکمرمایی خوب شهری را می‌توان شیوه و فرایند اداره امور شهری با مشارکت و تعامل سازنده‌ی سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی به‌منظور نیل به شهر سالم، باکیفیت و قابلیت زندگی بالا و توسعه پایدار شهری تعریف کرد (Masoumi Rad, 2012: 4). در این میان سکونتگاه‌های انسانی از بدو پیدایش تاکنون همواره با مخاطرات طبیعی مواجه بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین سوانح طبیعی، زلزله است که بیش‌ترین آسیب‌پذیری ساختمانی و تلفات انسانی را به بار می‌آورد. و از آنجا که جمعیت شهرها روندی رو به رشد دارد، مناطق خالی از سکنه موجود به سرعت به کاربری مسکونی تبدیل شده و در نتیجه دامنه پدیده خطرات ناشی از زلزله را برحسب احتمال افزایش می‌دهد (Amini, 2004: 2). بخش مسکن را می‌توان یکی از مهم‌ترین بخش‌های توسعه در یک جامعه دانست، این بخش با ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و کالبدی خود اثرات گسترده‌ای بر ارائه ویژگی‌ها و سیمای جامعه به مفهوم عام دارد. در واقع مسکن یکی از کاربری‌های مهم در شهر می‌باشد که باید سعی شود هنگام وقوع زلزله این بخش دچار آسیب نشود (Abdollahi, 2012: 154). امروزه یکی از رویکردهای مورد توجه برنامه‌ریزان شهری در برخورد با این پدیده، پرداختن به

مسئله ایمن سازی شهرها و انجام اقدامات پیشگیرانه به منظور کاهش آسیب های ناشی از زلزله می باشد (Qa'ed Rahmati & et al, 2011: 2). در واقع توجه به این نکته ضروری است که از بروز زلزله نمی توان جلوگیری نمود، اما می توان میزان تلفات و خسارات آن را کاهش داد. به عبارتی دیگر آنچه موجب افزایش تلفات در زلزله می شود، زلزله نبوده بلکه ساختمان های غیر مقاوم یا کم مقاومتی است که در اثر غفلت و عدم احساس مسئولیت در انجام وظایف توسط دست اندرکاران ساخت و سازها اعم از قانون گذاران، تدوین کنندگان آیین نامه های لرزه ای و ضوابط شهری و شهرسازی، طراحان و مالکان است. در رابطه با آسیب پذیری کالبدی ابنیه باید گفت که توجه هر چه بیشتر به نوع مصالح ساختمانی و تنظیم مقرراتی جهت کنترل آن ها و نظارت هر چه بیشتر مدیران شهری در طیف برنامه ریزی و مدیریت شهری تا حد زیادی در کاهش تلفات و خسارات جانی و مالی مؤثر است (Qa'ed Rahmati & et al, 2013: 85). با توجه به آنچه گفته شد می توان بیان داشت که رشد فزاینده و شکل گیری چالش ها و مشکلات عدیده شهری در دهه های اخیر موجب شده که مدیریت شهری برای اداره بهتر شهرها و استفاده از مشارکت شهروندان در امور مربوط به خود، علاوه بر مدیریت در سطح کلان شهر، به سطوح پایین مدیریتی نیز توجه کند. در مدل های اخیر توسعه که از سوی سازمان های بین المللی ترویج می شود، برای بهبود کیفیت و قابلیت زندگی شهری و نیل به توسعه پایدار شهری، الگوی حکمروایی خوب شهری مطرح می شود که بر مبنای آن می توان سلامت، نظم و امنیت را با پیشرفت و رفاه به صورت توأمان محقق کرد. نظریه حکمروایی خوب شهری که مورد پذیرش نخبگان و صاحب نظران و تأکید سازمان های جهانی و به ویژه مرکز سکونت گاه های انسانی سازمان ملل موسوم به هیئیات قرار گرفته، در صدد است تا شهرها هر چه کارآمدتر، عادلانه تر، ایمن تر و پایدارتر شوند. با توجه به آسیب پذیری شهرها در برابر زلزله، امروزه یکی از رویکردهای مورد توجه مدیریت بحران در برخورد با این پدیده طبیعی، پرداختن به مسئله ایمن سازی شهرها و انجام اقدامات پیشگیرانه به منظور کاهش آسیب های ناشی از زلزله می باشد. لذا در این پژوهش سعی بر آن است تا به بررسی نقش حکمروایی خوب شهری به عنوان یک الگوی مدیریت شهری در رابطه با کاهش آسیب پذیری مسکن توجه شود.

شیوه های متعددی برای تعریف واژه حکمروایی وجود دارد بنیان های نظری این واژه در بسیاری از زمینه های مطالعاتی وجود دارد: این زمینه های مطالعاتی عبارتند از اقتصاد نهادی، روابط بین الملل، مطالعات توسعه، علوم سیاسی و مدیریت. به طور کلی حکمروایی یک روش یا سازوکار برای حل و فصل طیف گسترده ای از تعارضات است که بازیگران آن به رضایت دوطرفه رسیده و تصمیمات از طریق مشورت باهم گرفته می شود و مشارکت در اجرای تصمیمات صورت می گیرد (Haus & Schmitter, 2002: 53). یکی از مواردی که در زمینه توسعه جوامع مورد توجه قرار گرفت مقوله اداره جامعه و نحوه ارتباط اداره کنندگان (حاکمان، دولت) با مردم بوده است. به طوری که بانک جهانی در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت حکمروایی شیوه مدیریت اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان موضوع محوری توسعه است (Taghvaei & Tajdar, 2009: 48). در همین رابطه جوامع برای جلوگیری از هدر رفتن و اتلاف منابع و درگیر کردن مردم با امر توسعه و نحوه ارتباط حاکمان و مردم حکمروایی روز به روز اهمیت بیشتری می یابد. اما امروزه این واژه غالباً برای تشریح نحوه مناسب اعمال قدرت به منظور توسعه پایدار به کار برده می شود. حکمروایی خوب سنگ بنای توسعه پایدار می باشد (Mafnusa, 2004: 490). در واقع در هر جامعه ای هنگام جست و جو برای راه حل توسعه پایدار، همواره حکمروایی خوب به عنوان یک ابزار حیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار معرفی می گردد (Kardo, 2012: 1166). به طور کلی حکمروایی اشکال جدیدی از تصمیم گیری جمعی را توصیف می نماید که قلمروهای مختلفی را شامل می شود (مانند حکومت، بازار و جامعه مدنی) و همچنین مبتنی بر شبکه های پیچیده ای از بازیگران به هم وابسته ای است که این بازیگران متعلق به بخش های عمومی، شبه عمومی، خصوصی، داوطلبانه و اجتماعی هستند. بر اساس این توصیف، حکمروایی منجر به تجدید ساختار تعاملات میان حکومت و جامعه مدنی و همچنین از بین بردن مرزهای میان بخش عمومی و خصوصی می شود (Bovaird, 2005: 221). در واقع مفهوم حکمروایی از اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد مباحث مدیریتی و اداره امور محلی شد که باعث تغییر پارادایم به سمت حکمروایی خوب و توسعه پایدار گردیده است. در فرهنگ لغت آمریکایی هر تیج واژه حکمروایی به عنوان فعالیت یا شیوع عمل یا قدرت حکمرانان معنا شده است (Moezzen, 2012: 16). حکمروایی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمروایی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان مربوط می شود. در واقع حکمروایی که در مقیاس گوناگون محلی، شهری، ملی و حتی بین المللی به کار می رود بر همیاری دولت و جامعه مدنی مبتنی است. این مفهوم بر این اصل بنیادی استوار است که دولت ها به جای آن که به تنهایی مسئولیت کامل اداره جامعه را در تمام سطوح آن بر عهده گیرند و

به تعبیر دیگر، حکومت کنند، باید در کنار شهروندان، بخش خصوصی و مردمی، به‌عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند. با این تعبیر، دولت نقش تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز توسعه جامعه را در سطوح ملی، محلی و شهری ایفا می‌کند. با ورود شهروندان یا به مفهوم سازمان‌یافته‌تر آن، جامعه مدنی، به عرصه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، فرآیند اداره شهر از یک نظام اقتدارگرا و آمرانه به فرآیندی مردم‌سالار و مشارکتی تبدیل خواهد شد. با توجه به این‌که شهرها عرصه اصلی زندگی امروزی به شمار می‌آیند و بخش عمده پویای اجتماعی در شهرها روی می‌دهد، مفهوم حکمروایی در مقیاس شهر، اهمیتی ویژه می‌یابد (Burakpour, 2006: 492). در سطح شهری، مفهوم حکمروایی شهری بر یک محیط اجتماعی - سیاسی تجزیه‌شده و مرکب و الگوی انعطاف‌پذیرتر و بازتر در تصمیم‌گیری دلالت می‌نماید (Van den dool et al, 2015:14).

در طی دهه‌های اخیر گزارش‌ها و مطالب نسبتاً زیادی پیرامون حکمروایی شهری به‌ویژه با محوریت بانک جهانی که ابداع‌کننده واژه حکمروایی و توسعه‌دهنده آن می‌باشد منتشر شده است. لذا الگوی حکمروایی شهری یک فرم جدید از حاکمیت شهری است که پاسخگوی ضرورت تعادل چندوجهی میان عناصر و نیروهای تأثیرگذار در جهت پایداری توسعه و شهروندمداری است (Kazemia, 2007: 3). از این‌رو توجه و تعمق در الگوی یادشده، کمک زیادی به یافتن ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در ارائه خدمات عمومی بهتر دارند (Maharati et al, 2012: 3). بنابراین حکمروایی شهری فرآیندی است چندجانبه میان کنشگران رسمی اداره شهر از یک طرف و نیز فعالان عرصه مدنی به‌عنوان کنشگران غیررسمی که تعاملات چندوجهی آن‌ها می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون در بین کنشگران منجر شود. آنچه در این مفهوم پیاداست همانا وارد شدن جامعه مدنی و نیز بخش خصوصی به فرآیند برنامه‌ریزی و اداره امور (شهری) است. این در حالی است که حکومت، مجموعه نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است (Burakpour, 2006: 495-96). با این اوصاف حکمروایی شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان اثرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام سازوکارهایی که به‌سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند، نه اینکه عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه‌های دولتی اختیاردار آن دو باشد (Kazemia, 2007:14). زمانی که صفت خوب به حکمروایی شهری اضافه می‌شود باید دارای یک سری ویژگی‌ها باشد. این حکمروایی باید مؤثر، مشارکتی، شفاف، پاسخگو و عادلانه باشد و مقررات قانونی را اعمال کند. در واقع فرآیندی است که به‌وسیله دولت هدایت می‌شود ولی با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی به‌پیش می‌رود. مشارکت و تعامل سازنده هر سه بخش برای تحقق توسعه انسانی ضرورت دارد (Sharifian Thani, 2001:50). بنابراین مفهوم حکمروایی خوب شهری جزء مفاهیم هنجاری بوده و می‌تواند به‌عنوان الگوی عملکردی استفاده شود. این حکمروایی می‌تواند به‌عنوان جستجوی راحل‌هایی باشد که از طریق مذاکراتی که با استفاده از روش‌های متعدد و هم‌چنین درگیری بازیگران بخش رسمی (دولتی) و غیررسمی (غیردولتی)، به دست آید. حکمروایی خوب شهری هم‌چنین به‌عنوان یک مفهوم بنیادی باهدف بهبود مهارت‌های اداری و بهره‌وری، شفافیت، مبارزه با فساد و افزایش پاسخگویی مقامات شهری برداشت شده است (Kedago et al, 2010:1).

در هنگام وقوع زلزله در مدت‌زمان بسیار کم به علت ناپایداری عناصر و فضاهای شهری در برابر نیروهای زلزله و عدم آمادگی مردم، آسیب‌های فیزیکی به اشکال گوناگون (تخریب، آتش‌سوزی و...) در محیط شهری ایجاد می‌شود. آسیب‌های فیزیکی، سبب ایجاد آسیب‌های جانی و مالی و عملکردی و در نتیجه سبب بروز آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و عدم تعادل در سیستم شهری و انسان می‌گردد. بنابراین برای حفظ تعادل در سیستم شهر و انسان، بایستی که آسیب‌های زلزله را به حداقل رساند، از این رو دولت‌ها به دنبال راهکارهایی جهت کاهش خسارات این حوادث می‌باشند، با توجه به این‌که هنوز روش شناخته شده‌ای برای تغییر مکانیزم زلزله وجود ندارد، تنها با شناخت نحوه عمل و رفتار آن در مناطق شهری و به‌کارگیری استراتژی‌های مختلف از جمله در برنامه‌ریزی‌های شهری می‌توان سبب تغییر عمل خطر و تغییر آسیب‌های بالقوه گردید (Arab Ella Firoozjah, 2011:42). یکی از مهم‌ترین عوامل در کاهش ضایعات زلزله وجود آمادگی قبلی یک جامعه برای برخورد با بحران زلزله می‌باشد. آمادگی برای برخورد با زلزله جنبه‌های گوناگونی دارد، کاهش آسیب‌پذیری شهر در برابر زلزله تنها از طریق تمهیدات ساختمانی به دلایل متعدد مقدور نخواهد بود و هنگامی تحقق می‌یابد که ایمنی شهر در برابر خطرهای زلزله به‌عنوان یک هدف اساسی در تمامی برنامه‌های توسعه مدنظر قرار گیرد (Moussapur, 2005: 98). می‌توان با اصلاح وضعیت شهرسازی آسیب‌پذیری شهرها را در برابر زلزله به میزان زیادی کاهش داد، به عبارت دیگر ایمنی شهری در برابر زلزله را به‌عنوان یک هدف عمده می‌باید در فرآیند شهرسازی وارد ساخت. تنها در این صورت است که می‌توان به شهرهایی مقاوم در برابر زلزله دست یافت. عناصری مانند ساختار شهر، بافت

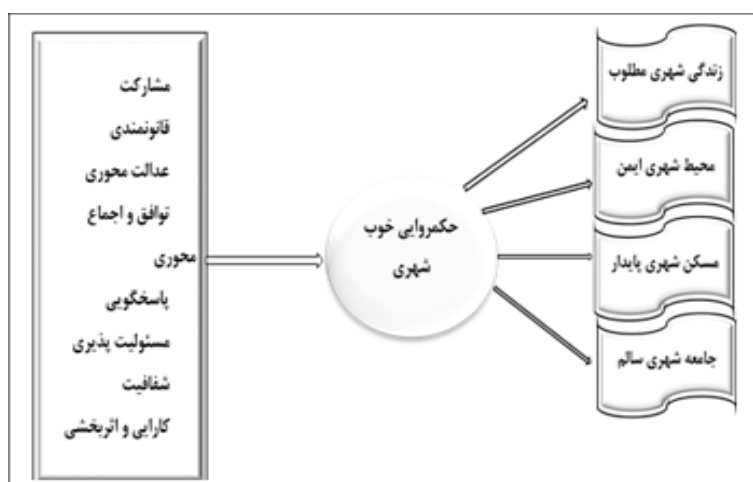
شهر، فرم شهر، تراکم‌های شهری، شبکه ارتباطی شهر، مکان‌گزینی عناصر شهری و... از هدف فوق تأثیر می‌پذیرند. ابعاد شهرسازی مرتبط با کاهش آسیب‌های زلزله می‌تواند در قالب موضوعات مختلف دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شود (Azizi, 2005). بنابراین ابزار متنوعی برای مدیریت توسعه توسط مدیریت شهری وجود دارد. به طور مثال مقررات منطقه بندی که فشار و تراکم توسعه را در نواحی خطرناک محدود می‌کند. مقررات تفکیک اراضی شهری، تحصیل نواحی خطرناک با ارزش‌های محیطی یا فضاهای باز، مکان‌یابی مجدد توسعه‌های موجود در معرض خطر، استانداردهای طراحی و مکانی زیرساخت‌ها و برنامه‌های اطلاعات عمومی که هشدار و آگاهی را نسبت به خطرات بالا می‌برد. در بین کاربری‌های شهری، کاربری مسکونی مهم‌ترین و حساس‌ترین عرصه در هر شهری است که به‌طور متوسط حدود ۵۰ درصد از سطح کاربری‌های هر شهری را در بر می‌گیرد، لذا شرایط فیزیکی و غیر فیزیکی حاکم بر آن در پیامدهای وقایعی چون زلزله بسیار تعیین‌کننده است. درواقع اهمیت بالای مسکن به دلیل این است که مکانی است برای آرامش، استراحت و بخش لاینفکی از زندگی مردم است. از این‌رو پیش‌بینی مکان مناسب جهت ایجاد مسکن از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین مدیریت شهری باید طوری برنامه‌ریزی کند که این بخش در هنگام وقوع زلزله دچار آسیب نشود (Qa'ed Rahmati et al, 2012: 2). بنا بر آنچه گفته شد به دلیل ضعف برنامه‌ریزی، طراحی نامناسب ساختمان‌ها، بی‌دقتی در اجرای اصولی پروژه‌های عمرانی، عدم مراقبت کافی به تعمیر و نگهداری و اسکان در اراضی در معرض خطر، شهرها به مکان‌هایی آسیب‌پذیری تبدیل شده‌اند. برای کاهش آسیب‌پذیری شهرها در برابر زلزله، کارآمدترین سطح برنامه‌ریزی می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد. کاهش آسیب‌پذیری شهر در برابر زلزله تنها از طریق تمهیدات ساختمانی به دلایل متعدد مقدور نخواهد بود. و هنگامی تحقق می‌یابد که ایمنی شهر در برابر خطرهای زلزله به‌عنوان یک هدف اساسی در تمامی برنامه‌های توسعه مدنظر قرار گیرد. درواقع می‌توان با اصلاح وضعیت شهرسازی و ایجاد یک مدیریت شهری کارآمد آسیب‌پذیری شهرها را در برابر زلزله به میزان زیادی کاهش داد. ابزار متنوعی برای مدیریت توسعه و کاهش آسیب‌پذیری وجود دارند. برنامه و ریزی و مدیریت شهری را می‌توان به‌عنوان یک مؤلفه و ابزار مهم برای کاهش اثرات زلزله در نظر گرفت (Amini, 2004: 4). از مطالعات مرتبط با حوزه حکمروایی شهری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Kendi stovart (2006) در مقاله‌ای با عنوان "طراحی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری: اهمیت مشارکت شهروندان و ارزیابی این امر در منطقه بزرگ ونکوور" را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله به ارزیابی حکمروایی خوب شهری و شاخص‌های مربوط به آن می‌پردازد، نویسنده پنج مؤلفه مهم حکمروایی خوب شهری را کارایی و اثربخشی، مساوات و برابری، مشارکت، پاسخگویی و امنیت معرفی کرده و برای هر مؤلفه چند شاخص مشخص می‌کند. در این مقاله بیشتر بر روی موضوع مشارکت شهروندان برای تحقق حکمروایی خوب شهری تأکید می‌شود. Zhoma&Reyozo (2012) در مقاله‌ای آسیب‌پذیری مناطق مختلف مسکونی در برابر حادثه زلزله (نمونه موردی: کشور چین) را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش شهرستان تیانجین به‌عنوان منطقه مورد مطالعه در نظر گرفته شده است و تمرکز پژوهشگران بر روی وضعیت ایمنی محیط‌های مسکونی در منطقه هدف بوده و به ارزیابی عددی آسیب‌پذیری مسکن موجود پرداخته شده و تحقیقات مشخص نمود است که در صورت وقوع زلزله چه خطراتی مسکن منطقه را تهدید می‌نماید و درنهایت امر محققان به ارائه پیشنهادها در این زمینه پرداخته‌اند. Hiyli (2015) در مقاله‌ای "نظریه برنامه‌ریزی: شهر خوب و حکمروایی آن" را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله به بررسی در زمینه تئوری برنامه‌ریزی در مورد رابطه بین شهرها، حکمروایی و مداخلات برنامه‌ریزی می‌پردازد. و ایده‌های در حال تغییر در مورد شهر خوب و اینکه چه چیزهایی یک حکمروایی خوب را به وجود می‌آورد را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. و در تئوری‌های برنامه‌ریزی به این نکته تأکید می‌کند که نظریه حکمروایی در بهبود عملکرد مدیریتی و بهبود کیفیت مکانی مؤثر است.

بوراکپور (۱۳۸۵) در مقاله‌ای به بررسی حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران می‌پردازد؛ در این پژوهش برای سنجش میزان تحقق حکمروایی در شهرهای ایران، همدان و اسلامشهر به‌عنوان دو نمونه از شهرهای میانی کشور انتخاب شده‌اند. نتایج حاصل از مشاهدات میدانی و سنجش شاخص‌های متعدد، حاکی از پایین بودن میزان حکمروایی شهری در شهرهای نمونه است. همچنین براساس مبانی نظری حکمروایی شهری و یافته‌های حاصل از بررسی روندهای جاری در نظام اداره امور شهری، راهبردها و سیاست‌هایی به منظور گذار از حکومت شهری به حکمروایی شهری ارائه شده است. رحمانی و کشاورز (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به بررسی الگوی حکمروایی خوب شهری و نقش دولت در مدیریت و اداره‌ی امور شهرها در ایران می‌پردازد؛ نتایج پژوهش نشان می‌دهد گذار از حکومت شهری به‌صورت متمرکز و سلسله‌مراتبی، ویژگی یافته و حرکت به‌سوی حکمروایی مطلوب، غیرمتمرکز و

مردم‌سالار امری اجتناب‌ناپذیر است. لذا به‌کارگیری رویکرد حکمروایی خوب و متناسب با بافت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورمان، به‌عنوان رویکردی که کشور را بیش‌ازپیش در مسیر توسعه‌ی پایدار هدایت خواهد کرد، ضرورتی بسیار پیدا کرده است. در این راستا، جهت دستیابی به توسعه‌ی منطقه‌ای و شهری باید، نهادهای محلی و مردمی را درگیر مسئله کرد و این امر نیازمند ایجاد جوامع مدنی است. حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به ارزیابی جایگاه و نقش حکمروایی خوب شهری در توسعه پایدار شهری می‌پردازند؛ این پژوهش بیان می‌کند که توسعه پایدار شهری با هرگونه مفهوم و کارکردی و مبتنی بر هر مکتب فکری، زمانی متجلی می‌گردد که گذار از حکومت‌های محلی و حکمرانی شهری به مدیریت شهری و عبور از مدیریت شهری به حکمروایی خوب شهری محقق شود. حکمروایی خوب شهری براساس مدل مناسبی از مشارکت آحاد مردم بر پایه یک اعتقاد داوطلبانه و هوشمندانه و مبتنی بر یک سری از مؤلفه‌های ارزشمند مدیریت شهری در میدان عمل به اثبات می‌رسد. در میان شاخص‌های مطرح حکمروایی خوب شهری همانند: شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، مردم‌سالاری، ظرفیت‌سازی، نهادسازی و شاخص مشارکت آحاد مردم به‌عنوان شاخص برتر جلوه‌گری می‌کند.

با توجه به ادبیات نظری و پیشینه تحقیق می‌توان گفت حکمروایی خوب شهری، شیوه نوین مدیریتی و اداره جامعه به شیوه مردم‌سالارانه و یکی از اشکال مدیریت شهری در جوامع امروزی است که در جهت حاکمیت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و شفاف‌سازی تلاش می‌کند و می‌تواند توسعه کالبدی سکونتگاه‌های شهری را تحقق بخشد. حکمروایی خوب با دخالت دادن مردم در فرآیند برنامه‌ریزی آن‌ها را از افراد منفعل به افراد فعال تبدیل کرده است. در الگوی حکمروایی خوب با دخیل شدن مردم در مسائل مربوط به خودشان و سرنوشتشان و همچنین رسیدن به توافق جمعی و اجماع و با در نظر گرفتن منافع همه افراد و گروه‌ها به دنبال ایجاد سازمان‌های مبتنی بر جوامع محلی به عنوان بستری برای تسهیل مشارکت فعال افراد محلی می‌باشد. براساس ادبیات حکمروایی می‌توان به این نتیجه رسید که مفهوم حکمروایی خوب به خصوص حکمروایی خوب شهری می‌تواند کلید حل معمای توسعه کالبدی شهری، افزایش سطح کیفی سکونتگاه‌های شهری و کیفیت زندگی شهروندان، ایجاد شهرهای پایدار و افزایش مقاومت و ایمنی ساختمان‌های شهری و رفع نیازهای اساسی آنان به‌خصوص دسترسی به خدمات و امکانات باشد. همچنین حکمروایی خوب شهری به حمایت از حقوق قانونی و مشروع شهروندان اعم از آزادی بیان، آزادی فعالیت‌های متنوع برخاسته است. چنین رویکردی الزامات توسعه پایدار شهری به‌خصوص توسعه کالبدی و افزایش ایمنی شهرها را فراهم می‌آورد. با توجه به مباحث ارائه شده می‌توان گفت که مسئولیت‌پذیری، شفافیت، مشارکت، پاسخگویی، عدالت محوری، کارایی و اثربخشی، اجماع جمعی و قانون مداری به عنوان اصول اساسی در ظهور حکمروایی خوب مطرح می‌شوند. بنابراین می‌توان گفت که حکمروایی خوب شهری با مشارکت وسیع مردم، افزایش خودتکایی، تکثرگرایی، همکاری بین کنشگران شهری، واگذاری قدرت به سطوح محلی و ایجاد نهادهای مؤثر و کارا در محیط شهری توسعه کالبدی و شهری ایمن در برابر حوادث را تحقق می‌بخشد و آسیب‌پذیری مسکن را در برابر مخاطرات محیطی کاهش می‌دهد. در نهایت مدل مفهومی تحقیق به‌صورت شکل (۱) ترسیم می‌گردد.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف از نوع کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. در قسمت تحلیل داده‌ها از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار smart pls3 برای بررسی مدل مفهومی تحقیق بهره گرفته شده است. مدل‌سازی معادلات ساختاری از دو بخش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری تشکیل شده است و متغیرهای مدل در دو دسته متغیرهای پنهان و آشکار تقسیم‌بندی می‌شوند که متغیرهای پنهان نیز در سطوح مختلف بکاربرده می‌شوند. بخش مدل اندازه‌گیری شامل سؤال‌های (شاخص‌ها) هر بعد همراه با آن بعد است و روابط میان سؤال‌ها و ابعاد در این بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بخش مدل ساختاری نیز حاوی تمامی سازه‌های مطرح در مدل اصلی پژوهش است و میزان همبستگی سازه‌ها و روابط میان آن‌ها در این قسمت مورد تمرکز واقع می‌شود. شاخص‌های تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تحقیقات گذشته تدوین شده است. در این پژوهش از شاخص‌های (مشارکت، عدالت محوری، توافق و اجتماع محوری، کارایی و اثربخشی، قانونمندی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی) با ۳۸ سؤال استفاده شده است در جدول (۱) مشاهده می‌شوند. جامعه آماری با توجه به موضوع پژوهش. کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی شهری می‌باشند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند ۴۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب گردید. در جدول (۲) مشخصات توصیفی پاسخگویان آمده است. مقیاس اندازه‌گیری براساس طیف لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد و نحوه نمره دهی پرسش‌ها نیز از نمره ۱ تا ۵ می‌باشد.

جدول ۱. شاخص‌ها و گویه‌های تحقیق

شاخص	گویه
مشارکت	<p>۱. تا چه اندازه مدیران و مسئولان شهری در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل و مشکلات شهری (نارسایی‌های کالبدی، عملکردی، اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی نامطلوب) که منجر به آسیب‌پذیری مسکن می‌شوند، با شهروندان مشورت می‌کنند؟</p> <p>۲. تا چه اندازه اعمال تصمیمات مردم در تهیه طرح‌های توسعه شهری (جامع، تفصیلی و...) توسط مدیران شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۳. تا چه اندازه مشارکت دادن شهروندان در اجرای برنامه‌های عمرانی، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۴. مشارکت شهروندان با نهادهای مرتبط با مدیریت شهری در اجرای قوانین مرتبط مقررات ملی ساختمان تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۵. زمینه‌سازی برای افزایش حضور بخش خصوصی از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش شهروندان تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>
عدالت محوری	<p>۱. تا چه اندازه توزیع عادلانه منابع و امکانات شهری (دسترسی به فضاهای باز عمومی، خیابان‌های اصلی، عرض مناسب معابر و توزیع فضایی مناسب کاربری‌ها) در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۲. رعایت عدالت و انصاف برای همه شهروندان در اجرای قوانین مربوط به ساخت‌وساز تا چه اندازه باعث کاهش آسیب‌پذیری مسکن می‌شود؟</p> <p>۳. تدوین قوانین و مقررات ویژه ساخت‌وساز و الزام مالکان، سازندگان و مهندسان ناظر به رعایت قوانین و مقررات تدوین شده تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۴. ترجیح منافع جمعی بر منافع شخصی توسط شهروندان (عقب‌نشینی جهت تعریض معابر، تخلف نکردن از قوانین مصوب، رعایت اصول فنی و ایمنی ساختمان) تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>
توافق و اجتماع محوری	<p>۱. تعامل و هماهنگی بین روابط و تصمیمات سازمان‌ها و نهادهای قانونی نظارت بر ساخت و ساز (وزارت راه و شهرسازی، شهرداری، سازمان نظام‌مهندسی و شهروندان) تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۲. وجود ارتباط متقابل و تعامل سازنده بین شهرداری و شورای شهر (مدیران شهری) با نهادهای بخش خصوصی (شهروندان، بساز بفروش‌ها و...) تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۳. هماهنگ‌سازی سازمان‌های مرتبط با آسیب‌های کالبدی مربوط به بنا نظیر زلزله (سازمان مدیریت بحران، شهرداری و...) تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۴. وجود تفاهم بین سازمان‌های تهیه‌کننده، تصویب‌کننده (شورای عالی شهرسازی و معماری، راه و شهرسازی، مهندسین مشاور و...) و اجراکننده پروژه‌ها و طرح‌های شهری (شهرداری) تا چه میزان در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>
کارایی و اثربخشی	<p>۱. ارزیابی و تحلیل آسیب‌پذیری لرزهای بافت‌های فرسوده تا چه اندازه در مقاوم‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۲. اجرای آیین‌نامه ۲۸۰۰ به‌عنوان جدی‌ترین ضابطه مقابله با خطرات زلزله در ایران تا چه اندازه در مقاوم‌سازی مسکن مؤثر بوده است؟</p> <p>۳. تا چه اندازه نقص نیروی انسانی، قابلیت مهندسین، نظارت نهادهای مرتبط در اجرایی شدن مفاد آیین‌نامه ۲۸۰۰ مؤثر است؟</p> <p>۴. شناخت صحیح ابعاد بلایای طبیعی (سیل، زلزله و...) به‌عنوان اولین گام در فرایند مدیریت بحران تا چه اندازه منجر به مقاوم‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری مسکن می‌شود؟</p> <p>۵. تا چه اندازه استقرار نامناسب عناصر کالبدی و کاربری‌های زمین شهری، قدمت بالا و کیفیت پایین بناها دریافت‌های فرسوده در افزایش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>
قانونمندی	<p>۱. تا چه اندازه با به‌کارگیری تمهیدات برنامه‌ریزی شهری و ارزیابی درجات آسیب‌پذیری در مقیاس‌های مختلف و ارائه راه‌حل‌های مقابله با خطر می‌توان باعث کاهش آسیب‌پذیری مسکن شد؟</p> <p>۲. اجرای آیین‌نامه ۲۸۰۰ توسط مدیران شهری تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۳. تا چه اندازه ترکیب منظم قطعات هم‌شکل و هم‌اندازه و ایجاد یک بافت منظم (منظم بودن در ارتفاع و پلان) منجر به کاهش آسیب‌پذیری مسکن می‌شود؟</p> <p>۴. تا چه اندازه تخلفات ناشی از عدم رعایت ضوابط و مقررات مصوب (احداث ساختمان بدون پروانه، یا مازاد بر پروانه ساخت یا مغایر آن) در افزایش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۵. تا چه اندازه اجرای صحیح آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها (تخریب و انهدام تمام یا قسمتی از ساختمان، ملزم کردن متخلف به انجام اصلاحات و تغییرات و دریافت جزای نقدی) در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p> <p>۶. تا چه اندازه استفاده از مصالح کم‌خطر در نمای ساختمان‌ها در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>

<p>شفافیت</p>	<p>۱. تدوین قوانین شفاف و بدون ابهام در زمینه ساخت‌وساز تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۲. تا چه اندازه آگاه کردن شهروندان توسط مدیران شهری از مفاد قوانین و مقررات مرتبط با ساخت‌وساز (این‌نامه ۲۸۰۰، مقررات ملی ساختمان و...) در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۳. ارائه اطلاعات به‌طور شفاف از مباحث فنی و اجرایی به‌موقع، عینی و در میان گذاشتن آن‌ها با مردم تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۴. تا چه اندازه آموزش‌های لازم جهت مقاوم‌سازی سازه بناهای فرسوده مطابق جزئیات ساختمانی و آشنا کردن شهروندان با اصول ساخت مسکن مقاوم توسط مدیران شهری می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌پذیری مسکن شود؟ ۵. اعطای شناسنامه فنی ساختمان که جهت نظارت بر همه مراحل ساخت‌وساز و به منظور جلوگیری از بروز تخلفات ساختمانی و افزایش ایمنی ساختمان‌هاست تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>
<p>مسئولیت‌پذیری</p>	<p>۱. تا چه میزان مدیران و مسئولان شهری (شورای شهر، شهرداری و...) در قبال مسئولیت و وظیفه‌ای که برعهده گرفته‌اند (تدوین قوانین تسهیل گر در قبال بهسازی و نوسازی مسکن در بافت‌های فرسوده، ایجاد راه‌حل‌های تشویقی برای ترغیب شهروندان جهت بهسازی و نوسازی مسکن که باعث کاهش آسیب‌پذیری مسکن می‌شوند) احساس مسئولیت کرده و آن را به‌درستی انجام دادند؟ ۲. تا چه اندازه آگاه کردن مردم توسط مدیران شهری در قبال مسائل و مشکلات مساکن آن‌ها (مجاورت مخاطرات احتمالی با مساکن آن‌ها مثل خطوط گسل، نامناسب بودن کیفیت ساختمان و...) در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۳. تا چه اندازه وجد فساد (رشوه‌خواری، پارتی‌بازی) در سیستم مدیریت شهری که باعث اعطای مجوزهای غیرقانونی مانند افزایش تراکم ساختمان به‌صورت غیرقانونی، قرار دان کاربری‌های ناسازگار در مجاورت کاربری مسکونی و... می‌شود در افزایش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۴. کمبود منابع درآمدی پایدار شهرداری‌ها و انگیزه کسب درآمد بیشتر که باعث صدور مجوزهای غیرقانونی در شهر می‌شود (رعایت نکردن حریم زیرساخت‌های شهری، متناسب نبودن عرض معبر و ارتفاع ساختمان) تا چه اندازه در افزایش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۵. عدم کنترل و نظارت مناسب بر ساخت‌وسازهای شهری در سطح شهر تا چه اندازه در افزایش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>
<p>پاسخگویی</p>	<p>۱. تا چه میزان تشریح فعالیت‌ها و پروژه‌های عمرانی در سطح شهر قبل از اجرا برای شهروندان در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۲. توجه مدیران و مسئولان شهری به نماهای مقاوم در برابر زلزله و رعایت اصول ایمنی در نوسازی ساختمان‌ها تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۳. بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به ساختمان ویژه در بخش اسکلت و نوسازی تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟ ۴. پاسخگویی مدیران و مسئولان شهری به شهروندان که از ایجاد فعالیت‌های خودسر و بی‌مسئولیتی در شهر جلوگیری می‌کند تا چه اندازه در کاهش آسیب‌پذیری مسکن مؤثر است؟</p>

جدول ۲. مشخصات توصیفی پاسخگویان

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد
سن	۳۰ تا ۴۰	۱۳	۳۲
	۴۰ تا ۵۰	۱۷	۴۲
	۵۰ تا ۶۰	۱۰	۲۵
جنس	مرد	۲۶	۶۵
	زن	۱۴	۳۵
تحصیلات	کارشناسی	۵	۱۲
	کارشناسی ارشد	۱۳	۳۲
	دکتری	۲۲	۵۵

یافته‌ها و بحث

روایی همگرا و واگر

روایی پرسش‌نامه توسط دو معیار همگرا و واگر که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. روایی همگرا به میزان توانایی شاخص‌های یک بعد در تبیین آن بعد اشاره دارد و روایی واگر نیز بیانگر این مطلب است که سازه‌های مدل پژوهش بایستی همبستگی بیشتری با سؤال‌های خود داشته باشند تا سازه‌های دیگر (Talebi et al, 2013: 76). برای ارزیابی روایی همگرا از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده) مربوط به متغیرهای مرتبه اول استفاده شد که نتایج این معیار در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. میانگین واریانس متغیرهای استخراج‌شده شاخص‌های پژوهش

متغیر	AVE
مشارکت	۰/۶۱۵
عدالت محوری	۰/۵۷۸
توافق و اجتماع محوری	۰/۵۷۱
کارایی و اثربخشی	۰/۶۱۲
قانونمندی	۰/۵۵۰
شفافیت	۰/۶۱۷
مسئولیت‌پذیری	۰/۵۶۳
پاسخگویی	۰/۶۰۲

مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE ۰/۴ می‌باشد. همان‌گونه در جدول (۳) آمده است، تمامی مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها از ۰/۴ بیشتر بوده و این مطلب، مؤید این می‌باشد که روایی همگرایی پرسش‌نامه پژوهش در حد قابل قبول است. روش دیگر بررسی روایی همگرا، آزمون بار عرضی است. در این آزمون انتظار می‌رود بار هر معرف برای هر متغیر مکنون بیشتر از بارهای عرضی یا بار آن معرف برای سایر متغیرهای مکنون باشد. آزمون بار عرضی ارزیابی روایی را در سطح معرف فراهم می‌کند.

جدول ۴. بارهای عاملی گویه‌ها (آزمون بار عرضی)

توافق	شفافیت	پاسخگویی	مسئولیت‌پذیری	مشارکت	کارایی و اثربخشی	قانونمندی	عدالت محوری	-
۰/۳۴۸۰۵	۰/۲۲۱۶۰۹	۰/۳۷۰۸۸۹۱۳۲	۰/۳۰۴۶۰۲	۰/۶۴۸۰۵	۰/۴۶۱۷۱	۰/۵۴۶۲۷۷	۰/۶۴۴۰۰۰۳	e1
۰/۲۶۵۹۷۲	۰/۳۱۵۵۳۲	۰/۵۹۸۹۴۳۸۸۱	۰/۵۵۴۱۸۳	۰/۲۲۶۳۶۱	۰/۴۹۹۷۵۲۵	۰/۱۴۵۲۱۹	۰/۷۷۹۰۱۲	e2
۰/۱۹۴۳۴۵	۰/۶۰۱۵۴۷	۰/۱۷۶۵۸۰۵۹۵	۰/۶۵۷۴۴۵	۰/۵۴۲۳۵۶	۰/۴۸۲۸۴۷	۰/۳۷۵۲۵	۰/۸۳۱۴۵۱	e3
۰/۱۲۲۲۷۵	۰/۴۹۷۸۱	۰/۲۵۵۷۴۳۶۱۵	۰/۵۶۳۴۶	۰/۴۵۴۵۸۲	۰/۶۳۳۳۵۴	۰/۳۰۷۵۹۲	۰/۷۲۸۵۳۷	e4
۰/۳۶۵۵۹۱	۰/۵۳۹۷۸۸	۰/۴۲۵۸۱۰۰۷۸	۰/۵۹۵۰۱۶	۰/۱۹۹۸۵۵	۰/۷۴۷۵۵۵	۰/۸۳۳۹۶	۰/۴۷۴۰۱۱	gh1
۰/۳۵۶۶۹۵	۰/۶۲۴۸۴۷	۰/۲۹۵۶۰۶۶۷۴	۰/۶۲۷۱۹۴	۰/۳۱۴۷۱۳	۰/۲۸۰۶۳۹	۰/۸۱۹۶۴۷	۰/۴۱۵۶۹۹	gh2
۰/۳۸۶۰۰۵	۰/۳۴۳۴۱۳	۰/۰۸۶۳۴۷۹۵	۰/۰۷۵۲	۰/۳۰۴۳۸۲	۰/۴۴۴۵۷۸	۰/۴۸۸۲۲۵	۰/۰۷۶۸۴	gh3
۰/۰۱۷۴۳۱	۰/۱۹۶۵۷۸	۰/۲۹۱۳۲۲۸۸۲۱	۰/۰۷۳۴۵۴۵	۰/۰۱۷۳۴۹	۰/۴۳۰۴۸۶	۰/۶۰۹۸۰۵	۰/۱۱۴۲۴۶	gh4
۰/۱۶۱۸۳۹	۰/۴۴۳۶۶۱	۰/۳۵۴۱۷۳۶۱۹	۰/۴۱۹۴۴۵	۰/۰۶۱۹۲۸	۰/۸۵۰۷۹۱	۰/۷۰۱۴۳۱	۰/۵۲۷۸۱۱	k1
۰/۲۰۲۱۵۲	۰/۴۴۶۸۸۵	۰/۱۷۴۹۳۸۴۸	۰/۳۵۸۱۸۳	۰/۲۰۵۴۲۷	۰/۸۰۳۰۱۳	۰/۶۹۹۱۰۲	۰/۴۴۷۹۹	K2
۰/۴۷۸۶۱۹	۰/۴۳۲۷۱۸	۰/۳۳۳۰۴۹۱۹۶	۰/۳۵۴۹۸۳	۰/۶۸۱۸۴۶	۰/۶۸۲۸۳۸	۰/۱۸۲۰۶۶	۰/۶۰۵۴۸۳	K3
۰/۴۲۹۷۹۷	۰/۳۳۴۷۱۸	۰/۴۴۵۳۰۴۴۵	۰/۵۰۰۶۴۶	۰/۸۰۱۳۶۸	۰/۳۱۱۲۲۵	۰/۳۲۳۹۸۹	۰/۷۴۵۷۷	M1
۰/۴۹۹۵۶	۰/۲۶۰۹۱۹	۰/۳۵۰۹۹۰۵۷۶	۰/۱۹۶۷۷۵	۰/۸۱۱۴۸	۰/۴۵۲۵۷۲	۰/۱۵۵۳۷۹	۰/۴۸۲۶۶۷	M2
۰/۱۹۹۲۸۷	۰/۵۴۳۹۹۵	۰/۱۰۰۹۱۱۹۶	۰/۵۶۲۷۰۲	۰/۶۷۶۶۱۸	۰/۰۵۵۵۵۶	۰/۰۷۱۴۴۴	۰/۴۴۸۸۲۳	M3
۰/۶۳۶۴۸	۰/۵۲۹۹۹۹	۰/۲۱۰۴۳۵۴۴۲	۰/۲۳۹۲۵۵	۰/۸۳۶۷۵۹	۰/۴۷۶۳۳۴	۰/۳۱۳۱۴۱	۰/۴۲۱۳۴۸	M4
۰/۳۱۲۵۰۸	۰/۵۷۱۰۲۵	۰/۳۴۶۰۲۴۳۲۷	۰/۶۶۴۴۷۳	۰/۵۶۴۷۱۴	۰/۲۸۰۸۴۲	۰/۳۱۳۳۴	۰/۶۵۰۲۹۷	ma1
۰/۶۱۶۶۰۶	۰/۸۹۷۳۳۹	۰/۵۵۱۵۷۹۲۴	۰/۹۲۴۸۱۳	۰/۳۵۳۹۲۸	۰/۵۷۲۹۴	۰/۶۳۱۲۹۲	۰/۵۷۸۱۰۲	ma2
۰/۱۸۹۸۵	۰/۳۷۱۴۵۳	۰/۵۰۶۸۳۶۸۷۹	۰/۷۰۱۵۸۷	۰/۱۶۵۷۳	۰/۴۰۲۵۹۶	۰/۳۹۴۴۸۸	۰/۵۴۷۶۵۴	ma3
۰/۳۵۲۸۵۲	۰/۶۷۶۶۲۲	۰/۴۷۱۰۸۸۳۴	۰/۸۵۰۶۱۲	۰/۲۴۳۳۳۳	۰/۳۲۱۰۹۱	۰/۳۵۳۰۸	۰/۵۲۹۱۵۴	ma4
۰/۱۹۰۵۷۲	۰/۴۹۵۳۸	۰/۰۹۲۲۶۹۴۳۷	۰/۴۵۹۵۵۵	۰/۱۸۶۴۲۲	۰/۱۳۵۴۹۶	۰/۵۳۳۲۵۷	۰/۲۲۹۸۱۷	ma5
۰/۸۱۸۷۴۴	۰/۳۸۰۰۳۵	۰/۸۵۴۱۸۰۱۰۴	۰/۴۲۵۰۹۵	۰/۴۳۸۷۷۸	۰/۵۲۰۶۹۶	۰/۴۴۶۳۰۵	۰/۳۲۳۴۹۷	p1
۰/۳۱۶۲۶۶	۰/۰۳۹۶۵۳	۰/۸۳۹۸۶۰۶۰۷	۰/۴۵۴۰۹۴	۰/۱۹۲۶۲۸	۰/۱۰۲۹۲۱	۰/۰۵۰۵۰۷	۰/۴۱۴۷۳۳	p2
۰/۷۴۶۹۹	۰/۳۳۳۳۴	۰/۸۴۷۰۴۹۱۸۶	۰/۴۸۸۸۲	۰/۳۰۰۰۰۹	۰/۲۶۷۹۴۴	۰/۰۹۹۳۴۸	۰/۳۵۰۴۸۱	p3
۰/۰۷۹۵۵۲	۰/۰۶۶۲۲۸	۰/۵۰۶۷۹۴۶۰۲	۰/۴۱۹۹۸۲	۰/۰۶۷۵۳۴	۰/۱۱۳۰۹۸	۰/۳۳۹۱۷۵	۰/۳۰۶۴۳۲	p4
۰/۴۳۴۱۸۶	۰/۸۱۶۳۰۴	۰/۳۲۹۷۹۱۶۱	۰/۸۳۹۷۲	۰/۳۱۸۸	۰/۵۰۵۶۷	۰/۶۴۴۴۲	۰/۶۲۴۳۰۶	sh1
۰/۲۸۲۱۱۲	۰/۶۱۳۲۰۴	۰/۰۸۷۳۵۵۵۴۶	۰/۴۲۵۲۴۳	۰/۵۵۶۳۵	۰/۱۱۷۵۰۷	۰/۰۲۴۶۷	۰/۴۴۳۱۸۱	sh2
۰/۴۵۹۳۸۸	۰/۹۰۳۵۵۷	۰/۱۷۷۱۲۹۴۹۳	۰/۷۱۴۱۵۴	۰/۴۳۷۸۱۴	۰/۴۲۵۲۷۴	۰/۵۳۵۲۵۶	۰/۳۶۲۸۷۴	sh3
۰/۵۵۲۳۹۴	۰/۸۵۴۲۳۴	۰/۴۲۶۷۵۱۴۵۶	۰/۷۱۲۰۸۸	۰/۳۳۱۵۳	۰/۵۴۹۱۰۸	۰/۶۱۹۱۸۵	۰/۲۹۶۹۸۸	sh4
۰/۴۱۵۸۷۴	۰/۷۰۵۵۴۲	۰/۱۰۹۶۶۰۸۷	۰/۵۰۰۴۹۵	۰/۵۱۶۳۲۱	۰/۵۱۸۹۸۷	۰/۵۷۰۴۷	۰/۴۴۵۶۲۲	sh5
۰/۷۸۰۹۹	۰/۴۶۱۵۵۹	۰/۵۴۴۹۰۰۹۴۱	۰/۳۵۷۳۵	۰/۳۱۹۴۱۹	۰/۲۵۶۹۲۶	۰/۳۴۲۵۲۵	۰/۰۱۱۱۳	T1
۰/۸۶۱۵۳۷	۰/۶۱۶۹۱۴	۰/۵۱۳۷۸۷۰۸۵	۰/۴۵۵۹۱۶	۰/۳۷۱۹۲۵	۰/۲۹۰۸۳۹	۰/۳۸۰۰۹۴	۰/۱۸۹۱۷۹	T2
۰/۶۰۱۳۸۲	۰/۱۲۸۱۱۹	۰/۵۹۱۵۴۴۱۱۵	۰/۲۵۴۴۲	۰/۶۱۹۱۷۸	۰/۲۸۵۸۲	۰/۱۷۷۳۰۷	۰/۵۱۲۰۱۵	T3

جدول (۴) نشان می‌دهد که بارهای عاملی شاخص‌های درون هر سازه نسبت به سازه بیرونی آن مقدار بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند که این می‌تواند نشان‌دهنده روایی همگرا در بین شاخص‌های هر یک از سازه‌های پژوهش باشد. در قسمت روایی واگر، میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های دیگر در مدل مقایسه می‌شود. این کار از طریق مقایسه جذر AVE هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها محاسبه می‌گردد. در صورتی که سازه‌ها با شاخص‌های مربوط

به خود همبستگی بیشتری داشته باشند تا با سازه‌های دیگر، روایی و اگرایی مناسب مدل تأیید می‌شود. برای این کار ماتریس باید تشکیل داد مقادیر قطر اصلی جذر ضرایب AVE هر سازه می‌باشد و مقادیر پایین قطر اصلی ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر است این ماتریس در جدول (۵) نشان داده شده است:

جدول ۵. ضرایب همبستگی سازه‌ها

شاخص	توافق	عدالت	قانونمندی	مشارکت	کارایی و اثربخشی	مسئولیت پذیری	شفافیت	پاسخگویی
توافق	۱/۰۰۰							
عدالت	۰/۳۰۰	۱/۰۰۰						
قانونمندی	۰/۴۰۴	۰/۴۴۸	۱/۰۰۰					
مشارکت	۰/۵۷۱	۰/۶۷۸	۰/۲۸۹	۱/۰۰۰				
کارایی و اثربخشی	۰/۳۶۹	۰/۶۸۲	۰/۶۶۶	۰/۴۲۰	۱/۰۰۰			
مسئولیت‌پذیری	۰/۴۸۰	۰/۶۹۳	۰/۵۹۲	۰/۴۸۰	۰/۴۸۶	۱/۰۰۰		
شفافیت	۰/۵۵۳	۰/۵۵۰	۰/۶۴۱	۰/۵۲۷	۰/۵۶۳	۰/۸۳۴	۱/۰۰۰	
پاسخگویی	۰/۷۲۴	۰/۴۵۱	۰/۳۱۵	۰/۳۶۳	۰/۳۷۴	۰/۵۵۲	۰/۳۰۶	۱/۰۰۰

همان‌گونه که از جدول (۵) مشخص می‌باشد، جذر AVE هر سازه از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیشتر شده است که این مطلب حاکی از قابل قبول بودن و اگرایی سازه‌ها می‌باشد.

پایایی مدل

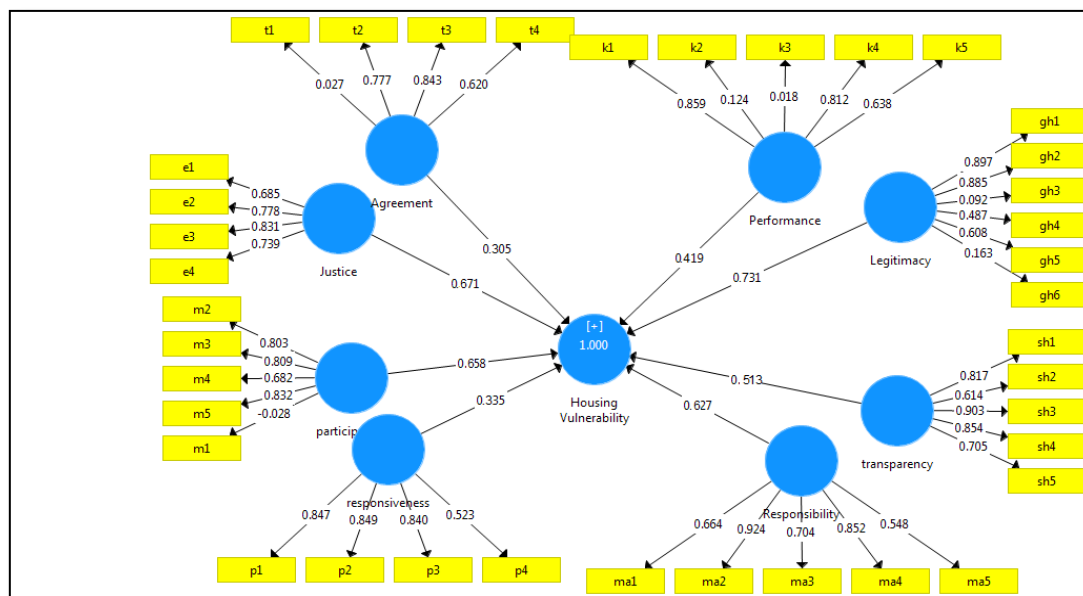
برای سنجش پایایی مدل به بررسی پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ پرداخته شد. ضریب آلفای کرونباخ بیانگر میزان توانایی سوالات در تبیین مناسب ابعاد مربوط به خود است. هم‌چنین ضریبی پایایی ترکیبی نیز میزان همبستگی سوالات یک بعد با یکدیگر برای ارزش کافی مدل‌های اندازه‌گیری را مشخص می‌کند (Fornell & Larcker, 1981).

جدول ۶. پایایی مدل

شاخص	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
توافق	۰/۷۹۷	۰/۷۰۹
عدالت محوری	۰/۸۴۵	۰/۷۵۴
قانونمندی	۰/۸۲۲	۰/۷۳۵
مشارکت	۰/۸۶۴	۰/۷۸۹
کارایی و اثربخشی	۰/۸۲۴	۰/۷۵۷
مسئولیت‌پذیری	۰/۸۶۲	۰/۷۹۴
شفافیت	۰/۸۸۸	۰/۸۴۰
پاسخگویی	۰/۸۵۴	۰/۷۷۸

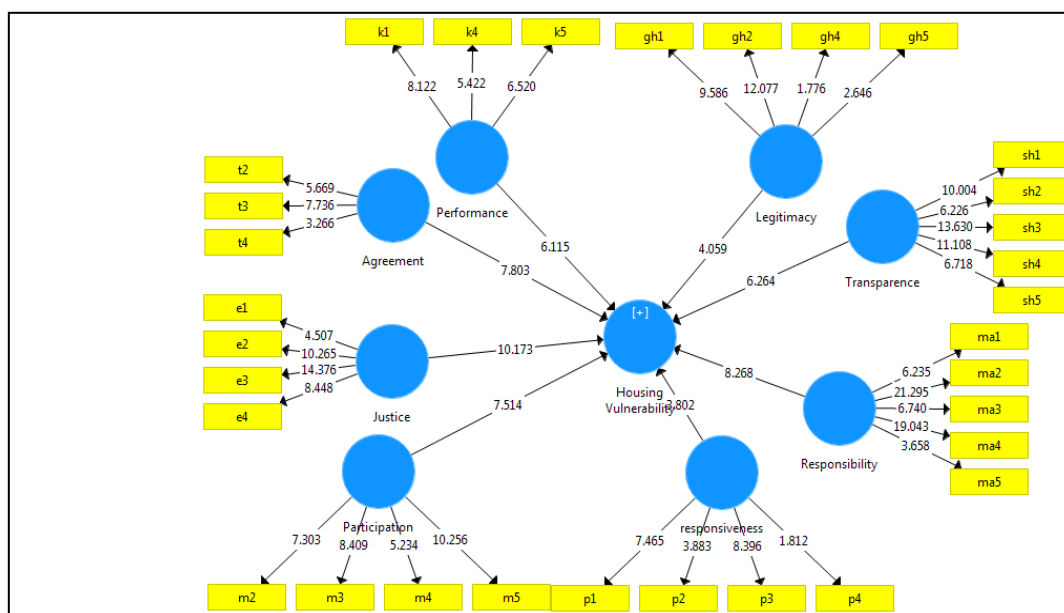
با توجه به جدول (۶) می‌توان گفت شاخص از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. از آنجایی که بالاتر بودن آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی از ۰/۷ نشان‌دهنده برآزش مناسب مدل است پژوهش حاضر در مورد این دو معیار نیز برآزش مناسب را تأیید می‌کند. در مرحله بعد ضرایب مسیر و بارهای عاملی موردبررسی قرار گرفت که نتایج آن در شکل (۲) مشاهده می‌شود. در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری ابتدایه ساکن لازم است تا پایایی سازه‌ها، مورد مطالعه قرار بگیرد. در صورتی که نشانگرهای سازه‌های مورد مطالعه دارای بار عاملی کمتر از ۰/۵ باشند از اهمیت لازم برای اندازه‌گیری برخوردار نیستند و از این رو بایستی از فرآیند تحلیل کنار گذاشته شوند و باقی نشانگرها در فرآیند تحلیل وارد می‌شوند. در مرحله اول با اجرای مدل، نشانگرهای (۱) شاخص توافق، (۲) شاخص مشارکت، (۳) و (۴) شاخص قانونمندی و

در کارایی و اثربخشی (۲) و (۳) کمتر از مقدار ۰/۵ می باشد از تحلیل حذف می شوند و مجدداً مدل پژوهش آزمون می شود و مدل اصلاح شده خروجی گرفته می شود که در شکل (۲) قابل مشاهده است.



شکل ۲. مدل اصلاح شده پژوهش

در نرم افزار smart-pls ارزش t معنی دار بودن اثر متغیرها را برهم نشان می دهد. اگر مقدار t بیشتر از $1/96$ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنی دار است. اگر بین $1/96+$ تا $1/96-$ باشد، اثر معنی داری وجود ندارد و اگر کوچکتر از $1/96-$ باشد، یعنی اثر منفی دارد، ولی معنی دار است. همچنین ضرایب مسیر اگر بالای 60 درصد باشد، بدین معنی است که ارتباطی قوی میان دو متغیر وجود دارد، اگر بین $3/0$ تا $6/0$ باشند، ارتباط متوسط و اگر زیر $3/0$ باشند، ارتباط ضعیفی میان وجود دارد. شکل های خروجی از نرم افزار ضرایب مسیر و مقدار t را نشان می دهد که با استفاده از این می توان تحلیل فرضیه ها پرداخت.



شکل ۳. ضریب معناداری شاخص های پژوهش بر ابعادشان

جدول ۷. خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

شاخص	ضریب مسیر	آماره T	P Values
توافق	۰/۳۰۵	۷/۶۰۲۳	۰/۰۰۰
عدالت محوری	۰/۶۷۱	۱۲/۳۳۸۳۳	۰/۰۰۰
قانونمندی	۰/۷۳۱	۳/۹۴۳۳۶۱	۰/۰۰۰
مشارکت	۰/۶۵۸	۸/۲۷۴۱۴۷	۰/۰۰۰
کارایی و اثربخشی	۰/۴۱۹	۰/۰۷۴۸۱۷	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	۰/۶۲۷	۰/۹۶۱۲۱۴	۰/۰۰۰
شفافیت	۰/۵۱۳	۶/۱۴۱۴۲۲	۰/۰۰۰
پاسخگویی	۰/۳۳۵	۳/۵۵۹۱۰۴	۰/۰۰۰

با توجه به شکل‌های (۲) و (۳) و نتایج جدول (۷) می‌توان عنوان کرد که نتیجه حاصل از بررسی تأثیر شاخص توافق جمعی و اجماع محوری با توجه به ضریب مسیر ۰/۳۰۵ و مقدار ۷/۶۰۲۳ نشان می‌دهد که شاخص توافق بر آسیب‌پذیری مسکن تأثیر مثبت و نسبتاً ضعیف دارد. در حکمروایی خوب شهری، ساختارهای شبکه‌ای و افقی در اداره شهر جایگزین ساختارهای سلسله‌مراتبی و عمودی می‌شود که این باعث می‌شود در حوزه شهر، حاکمیت شهری مردم‌سالار، پاسخگو، اثربخش، کارآمد و عدالت‌گستر داشته باشیم و با توافق جمعی و اجماع محوری به یک مدیریت یکپارچه شهری برسیم که از اتلاف منابع و امکانات و هدر رفت آن‌ها جلوگیری می‌کند. در بررسی تأثیر شاخص عدالت محوری بر آسیب‌پذیری مسکن با ضریب مسیر ۰/۶۷۱ و مقدار ۱۲/۳۳۸۳۳ t مشخص گردید که شاخص عدالت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر آسیب‌پذیری مسکن دارد. با ایجاد فرصت‌های مناسب برای تمام شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی‌شان و تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و امکانات و مشارکت تمامی مردم به‌ویژه اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری شاهد توسعه پایدار شهرها خواهیم بود و می‌توان شهرهای مقاوم در برابر زلزله ساخت. درواقع رعایت عدالت و انصاف در توزیع منابع و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر است که بر حضور و همکاری شهروندان در کلیه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و ثمربخش بودن آن تأکید دارند. بنابراین با این شرایط می‌توان زمینه برقراری حکمروایی مناسب شهری را در حوزه ساخت‌وساز فراهم آورد. ضریب مسیر ۰/۷۳۱ و مقدار ۳/۹۴۳۳۶۱ t در بررسی تأثیر شاخص قانونمندی مشخص‌کننده این است که این شاخص تأثیر مثبت و بالایی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد مشارکت و نظارت مردم در تصمیمات و امور شهری تا حد زیادی باعث قانون‌مداری و پایبندی به قوانین شده و مدیران و مسئولان در اجرای قوانین بهتر عمل می‌کنند. درواقع رعایت قوانین و مقررات از سوی مردم و همچنین مدیران و ذی‌نفعان مربوط به حوزه ساخت‌وساز، شهرها را به‌سوی پایداری سوق می‌دهد و ایمن بودن آن‌ها را تضمین می‌کند. نتایج حاصل از بررسی تأثیر شاخص مشارکت بر آسیب‌پذیری مسکن با ضریب مسیر ۰/۶۵۸ و مقدار ۸/۲۷۴۱۴۷ t گواه بر این دارد که شاخص مشارکت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر آسیب‌پذیری مسکن دارد. در حکمروایی خوب شهری، مشارکت فعال شهروندان در زندگی اجتماعی، اطمینان و اعتماد آن‌ها به حکومت‌های محلی شهری و نهادهای دولتی مؤثر در اداره شهر را به دنبال دارد که این امر نهایتاً منجر به پایداری شهر و ایجاد شهرهای ایمن و توانمند خواهد شد. درواقع میان مشارکت و توانمندسازی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. نقش فعال مردم در تعیین سرنوشت محیط زندگی، سبب می‌شود که آن‌ها باعلاقه بیشتری و تعلق خاطر بالاتری نسبت به شهر خود بنگرند و در حفظ و نگهداری آن بکوشند. در بررسی شاخص کارایی و اثربخشی با ضریب مسیر ۰/۴۱۹ و مقدار ۰/۰۷۴۸۱۷ t مشخص گردید که شاخص کارایی و اثربخشی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. کارایی و اثربخشی بیشتر، سرمایه‌گذاری در محیط‌های شهری را تضمین می‌کند و به تحقق فرایندهای دموکراتیک سازی و توانمندسازی کمک می‌کند و پایداری و ایمن‌سازی شهرها را تضمین می‌کند و دخالت‌های درست افرا ذی‌نفع در عرضه مدیریت منابع، خدمات و تسهیلات را فراهم می‌آورد. بررسی شاخص مسئولیت‌پذیری با ضریب مسیر ۰/۶۲۷ و مقدار ۰/۹۶۱۲۱۴ t بیانگر این نکته است مسئولیت‌پذیری بر آسیب‌پذیری مسکن تأثیر مثبت و بالایی دارد. شهروندان خود یکی از ارکان اصلی کنترل و نظارت بر ساخت و سازها محسوب می‌گردند، حقوق شهری و آگاهی‌شان به افراد امکان می‌دهد که علیه هر نوع ساخت‌وساز خلاف در مراجع قانونی اقدام کنند. برای مثال اگر شخصی بدون کسب مجوز و خرید تراکم از مراجع ذی‌ربط، برخلاف پیش‌بینی طرح‌های مصوب در همسایگی خود ساختمانی چندطبقه‌ای را بنا نماید، مردم می‌توانند با استفاده از اهرم نظارتی و حس

مسئولیت‌پذیری خود جلوی این عمل خلاف را گرفته و به مراجع مسئول گزارش نمایند، بنابراین با مسئولیت‌پذیر کردن مردم و حق دخالت آنان در امور، می‌توان ضامن شهری زیبا، ایمن و پایدار بود. شاخص شفافیت با ضریب $0/513$ و مقدار $6/14$ بر آسیب‌پذیری مسکن تأثیر معنی‌داری دارد. شفافیت به‌عنوان یک سکه دورو برای تشویق مشارکت‌های مردمی و ارتقای سطح حکمروایی خوب شهری لازم و ضروری است، از سوی دیگر ایجاد فرهنگ شفافیت و مسئولیت در فعالیتهای مدیران و مسئولان شهری، عنصر کلیدی در مبارزه با فساد به شمار می‌رود که فساد و رشوه‌خواری در عرصه اداره امور شهر و مدیریت شهری زمینه را برای ناپایداری و آسیب‌پذیری شهرها در زمینه‌های مختلف مهیا می‌کند، افزون بر این شفافیت به شهروندان، بخش خصوصی و دولت این اجازه را می‌دهد تا سایرین را در قبال سیاست‌ها و عملکردهایشان پاسخگو نگه‌دارند. و آخرین شاخص، شاخص پاسخگویی با ضریب مسیر $0/335$ و مقدار $3/55$ بر آسیب‌پذیری مسکن تأثیر مثبت و نسبتاً پایینی دارد. درواقع پاسخگویی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های شهری در چارچوب قانونی خود و زمانی مشخص در برابر اعضای خود (ارباب‌رجوع) عواملی هستند که به استوار شدن پایه‌های حکمروایی خوب شهری و در نهایت ایجاد یک شهر پایدار و ایمن کمک می‌کند. با توجه به ضرایب مسیر می‌توان گفت شاخص قانونمندی بالاترین تأثیر را دارد و بعداز آن به ترتیب شاخص‌های عدالت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، کارایی و اثربخشی، پاسخگویی و در پایان شاخص توافق کمترین تأثیر را بر آسیب‌پذیری مسکن دارد. بنابراین الگوی حکمروایی خوب شهری به‌عنوان یکی از الگوهای مدیریتی، تأثیر مثبتی بر کاهش آسیب‌پذیری مسکن در برابر زلزله دارد. درواقع حکمروایی خوب شهری در مدیریت شهری طی دهه‌های اخیر با فراهم آوردن اثرگذاری همه ارکان تأثیرگذار شهری بر مدیریت شهر، شهرها را به‌سوی تعالی و پایداری سوق می‌دهد. این رویکرد با تأکید بر توسعه‌ای مردم‌سالار و برابر خواهانه، زمینه را برای تأثیرگذاری تمامی گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع در اداره امور شهرها فراهم و پاسخگویی به تمامی نیازهای این گروه‌ها را ممکن می‌سازد.

با توجه به آنچه گفته شد حکمروایی خوب شهری و مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح‌شده آن منجر به توسعه کالبدی و افزایش ایمنی شهرها می‌شود. چرا که در حکمروایی خوب با تبدیل نقش انفعالی مردم به نقش فعال و به صحنه آوردن مردم در فرآیند برنامه‌ریزی و مشارکت مردم و تسهیل کردن آن توسط مدیریت فراگیر و همه‌شمول شهری منجر به توسعه کالبدی خواهد شد. این عاملی خواهد بود برای برخورداری عادلانه از منابع و منافع قدرت برای همگان که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی را در پی خواهد داشت. به‌موازات این امر شفافیت در کارها و امور افزایش‌یافته و صداقت و اخلاقیات در ارائه اطلاعات مفید علمی و منطقی خود را بروز می‌دهند. درنهایت کار آبی و اثربخشی و عملکرد بالا می‌رود. مجموعه این عوامل به افزایش سطح کیفی ابعاد کالبدی، توسعه پایدار، مقاوم‌سازی شهرها، افزایش ایمنی، توانمندسازی شهروندان ختم می‌شود؛ بنابراین حکمروایی خوب شهری به‌عنوان یک شیوه اداره امور شهری که هدف آن کاهش فساد، بهبود کیفیت معاش و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان، ایجاد فرصت و امکانات برابر برای مردم، اعتلای امنیت و پایداری و ایجاد شهرهای ایمن و پایدار است، در کاهش آسیب‌پذیری مسکن و ایجاد شهرهای مقاوم در برابر خطرات احتمالی مؤثر است.

نتیجه‌گیری

به دلیل ضعف برنامه‌ریزی، طراحی نامناسب ساختمان‌ها، بی‌دقتی در اجرای اصولی پروژه‌های عمرانی، عدم مراقبت کافی به تعمیر و نگهداری و اسکان در اراضی در معرض خطر، شهرها به مکان‌هایی آسیب‌پذیری تبدیل شده‌اند. برای کاهش آسیب‌پذیری شهرها در برابر زلزله، کارآمدترین سطح برنامه‌ریزی می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد. آمادگی برای برخورد با زلزله جنبه‌های گوناگونی دارد، کاهش آسیب‌پذیری شهر در برابر زلزله تنها از طریق تمهیدات ساختمانی به دلایل متعدد مقدور نخواهد بود و هنگامی تحقق می‌یابد که ایمنی شهر در برابر خطرهای زلزله به‌عنوان یک هدف اساسی در تمامی برنامه‌های توسعه مدنظر قرار گیرد. درواقع می‌توان با اصلاح وضعیت شهرسازی و ایجاد یک مدیریت شهری کارآمد آسیب‌پذیری شهرها را در برابر زلزله به میزان زیادی کاهش داد. ابزار متنوعی برای مدیریت توسعه و کاهش آسیب‌پذیری وجود دارند. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری را می‌توان به‌عنوان یک مؤلفه و ابزار مهم برای کاهش اثرات زلزله در نظر گرفت. درواقع برنامه‌ریزی شهری استفاده بهتر از زمین در برابر تمام تهدیدات احتمالی تعریف‌شده است، همچنین بکارگیری محدودیت‌ها در انواع ساخت‌وسازها، طرح‌ها و اندازه و یا تعریف جزئیات بیشتر فعالیتهای لرزه‌ای برای محیط و همچنین پیش‌بینی و مشخص کردن مناطق با سطح بالای خطر می‌باشد؛ بنابراین

آنچه پدیده زلزله را در شهرها به یک فاجعه تبدیل می‌کند در بسیاری از موارد، وضعیت شهرسازی نامناسب است. لذا می‌توان با اصلاح وضعیت شهرسازی و مدیریت شهری آسیب‌پذیری شهرها را در برابر زلزله به میزان زیادی کاهش داد. به‌گونه‌ای که امینی (۱۳۸۳) در پژوهشی به عنوان نقش شهرسازی در کاهش آسیب‌پذیری شهر بیان می‌کند که شهرسازی وسیله‌ای است که نقش بسیار مؤثری در کاهش ضایعات زلزله دارد و برای کاهش آسیب‌پذیری شهر در برابر زلزله توجه به تمامی سطوح برنامه‌ریزی کالبدی و وارد ساختن هدف ایمنی شهر در برابر خطرات زلزله در تمامی سطوح برنامه‌ریزی کالبدی ضرورت دارد. همان‌طور که اشاره شد حکمروایی خوب شهری، شیوه نوین مدیریتی و اداره جامعه به شیوه مردم‌سالارانه و یکی از اشکال مدیریت شهری در جوامع امروزی است که در جهت حاکمیت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و شفاف‌سازی تلاش می‌کند و می‌تواند توسعه کالبدی سکونتگاه‌های شهری را تحقق بخشد. حکمروایی خوب با دخالت دادن مردم در فرآیند برنامه‌ریزی آن‌ها را از افراد منفعل به افراد فعال تبدیل کرده است. در الگوی حکمروایی خوب با دخیل شدن مردم در مسائل مربوط به خودشان و سرنوشتشان و همچنین رسیدن به توافق جمعی و اجماع و با در نظر گرفتن منافع همه افراد و گروه‌ها به دنبال ایجاد سازمان‌های مبتنی بر جوامع محلی به‌عنوان بستری برای تسهیل مشارکت فعال افراد محلی می‌باشد.

همان‌گونه که از عنوان پژوهش برمی‌آید، این تحقیق در پی تحلیل و بررسی اثر حکمروایی خوب شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن می‌باشد. مفهوم حکمروایی به ارتباط میان کنشگران مختلف (دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی) و نحوه تصمیم‌گیری مربوط می‌شود. این مفهوم در مناطق شهری بر همکاری و مشارکت بخش‌های مختلف، یک‌کاسه شدن سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در محیط‌های شهری و همچنین افزایش مشارکت شهروندان، افزایش توانمندی جامعه شهری، استفاده بهتر از منابع و امکانات و به حرکت درآوردن ظرفیت‌های محلی اشاره دارد بنابراین می‌توان گفت که حکمروایی خوب شهری بر مدیریت محلی، عدم تمرکز، برنامه‌ریزی از پایین به بالا، همکاری بخش دولتی و بخش غیردولتی تأکید دارد. با بررسی پیشینه موضوع حکمروایی و با توجه به نتایج محققان، صاحب‌نظران و متخصصان توسعه شهری را به این نکته رهنمون داشته که حکمروایی خوب شهری اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت شهری بوده که محوریت این رهیافت در مدیریت شهری بر مبنای توسعه مردم‌سالار و برابر خواهان و همچنین پاسخگویی به نیازهای تمام این گروه‌ها بوده است. بنابراین آنچه در حکمروایی خوب شهری مورد تأکید قرار گرفته توجه به نیازها و خواسته‌های تمامی گروه‌های ذینفع شهری بوده است که به‌نوعی تداعی‌گر مفهوم عدالت می‌باشد. که به برابری و تساوی همه افراد و گروه‌های ذی‌نفع در اداره امور شهر توجه دارد. علاوه بر این رهیافت حکمروایی خوب شرایط و امکاناتی را پیش می‌آورد تا افراد نیازهای خود را به گوش مسئولان برسانند و پاسخ مناسب را دریافت نمایند. پس می‌توان گفت حکمروایی خوب شهری، آنگاه که بتواند مردم شهری را در برابر نیازها و مشکلاتشان توانمند سازد و بتواند این توانمندی را در مناطق شهری به وجود آورد که خود بتوانند چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت گروهی مشکلاتشان را حل نمایند به سطح قابل قبولی رسیده و می‌تواند منجر به توسعه پایدار و به دنبال آن توسعه کالبدی و ساختمان‌های مقاوم در برابر خطرات احتمالی شود. این پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. شاخص‌های تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی تحقیقات گذشته تدوین شده است. در این پژوهش از شاخص‌های مشارکت، قانونمندی، شفافیت، توافق جمعی، مسئولیت‌پذیری، عدالت محوری، پاسخگویی کارایی و اثربخشی (با ۳۸ سؤال استفاده شده است در نهایت برای تحلیل داده‌ها رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار smart pls3 برای بررسی مدل مفهومی تحقیق بهره گرفته شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که حکمروایی خوب قابلیت ایجاد یک محیط شهری قابل زیست، پویا، سالم از نظر محیطی و اجتماعی و ایجاد یک شهر ایمن و مقاوم را دارد. نتایج تحقیقات پیشین تأییدکننده این موضوع می‌باشد به نحوی که مرادی (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان نقش‌پذیری حکمروایی خوب شهری در پایدار شهر بیان می‌کند که به‌کارگیری حکمروایی خوب شهری، تأثیر قابل توجه و معنی‌داری بر توسعه پایدار شهری دارد. نتایج حاصل از تحقیق برای فرضیه نشان می‌دهد که همه شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کاهش آسیب‌پذیری مسکن دارای اهمیت می‌باشند و همه شاخص‌های حکمروایی خوب شهری برای افزایش کیفیت زندگی و افزایش کیفیت محیط زندگی مهم و مؤثر هستند. به طوری که معصومی راد (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان نقش حکمروایی خوب شهری بر کیفیت زندگی شهری این امر را تأیید می‌کند که یکی از راه‌های تحقق توسعه پایدار شهری به‌کارگیری الگوی حکمروایی خوب شهری در اداره امور شهر می‌باشد و پیامدها و آثار آن را بر ارتقاء کیفیت زندگی شهری گوشزد می‌کند. البته پژوهش‌های زیادی در حوزه آسیب‌پذیری مسکن انجام شده است ولی

اکثر مطالعات صورت گرفته در حوزه آسیب‌پذیری مسکن، اغلب آسیب‌پذیری مسکن از جنبه‌های کالبدی را مورد توجه قرار داده‌اند و کمتر متعرض بعد مدیریت تعاملی (تعامل مردم با مدیران شهری) ساخت‌وساز مسکن شده‌اند و به این مهم توجه چندانی نداشته‌اند. از این رو پژوهش پیش رو برای اولین بار نقش مدیریت شهری (حکمروایی خوب شهری) در کاهش آسیب‌پذیری مسکن را مد نظر قرار داده است. در واقع حکمروایی شهری زمینه مداخله و مشارکت شهروندان در امور مربوط به شهر را فراهم می‌کند و از دیدگاه حکمروایی از مهم‌ترین حقوق شهروندان در حوزه مداخلات فیزیکی یک شهر، حق مداخله در ساخت‌وسازها است. این مداخله در تصمیم‌گیری‌های مربوط به ساخت‌وسازها، تصویب و بررسی ضوابط و مقررات شهری و سرانجام حقوق و آزادی‌های اجتماعی در این حوزه از جمله دسترسی آزاد به اطلاعات، آزادی بیان و نظایر این‌هاست. در مقابل این حقوق نهادهای دولتی و پیمانکاران و شرکت‌های ساختمانی باید به برخی از وظایف خود عمل کنند تا امکان مشارکت پایدار و مؤثر شهروندان را در حوزه‌های تصمیم‌گیری و فعالیت مربوط به ساخت‌وساز را فراهم کنند. بنابراین در حکمروایی با شفافیت سازی در جریان آزاد اطلاعات به عموم مردم از طریق برگزاری جلسات، به آگاه‌سازی بیشتر و تصمیم‌گیری سنجیده‌تر شهروندان و مدیران ختم شده و تعامل آن‌ها را بهبود بخشیده و به اعتمادسازی بیشتر و بهتر کمک می‌کند به دنبال شفافیت مسئولیت‌پذیری و مشارکت مردم و مسئولان افزایش یافته و راه برای توسعه کالبدی بهتر و بیشتر و ایجاد شهرهای پایدار هموار می‌شود. بنابراین حرکت براساس حکمروایی خوب شهری از طریق شاخص‌های آن موجب انصاف، عدالت و برابری می‌شود و صدای همه ذی‌نفعان شهری به گوش مسئولان می‌رسد. و این نشان می‌دهد که متخصصان در کل الگوی حکمروایی خوب شهری را به‌عنوان شیوه‌ای از مدیریت شهری که باعث ایجاد تعامل میان دولت، بخش خصوصی و مردم می‌شود، در کاهش آسیب‌پذیری مسکن و ایجاد ساختمان‌های مقاوم و پایدار مؤثر می‌دانند. بنابراین در ایجاد شهرهای پایدار و ایمن مشارکت مردم، رعایت قوانین، احترام به حقوق دیگران، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، شفاف بودن عملکرد مدیران و مسئولان شهری در قبال شهروندان منجر به افزایش کارایی و اثربخشی؛ و در نهایت منجر به رهیافت حکمروایی خوب شهری خواهد شد که می‌تواند متضمن و کاهش آسیب‌پذیری مسکن باشد. در پایان پیشنهادهایی مبتنی بر نتایج حاصل از تحقیق، در زمینه موضوع مورد پژوهش ارائه شده است:

- تفویض اختیار و کوشش در جهت سپردن امور به گروه‌های کوچک‌تر و محلی
- تلاش در جهت تقویت و توانمندسازی تشکل‌های مردمی در نواحی شهری از طریق تقویت و توسعه خلاقیت، نوآوری و فرهنگ کارآفرینی، حس مشارکت و همکاری و خوداتکایی در شهروندان.
- آموزش، یادگیری و آشنایی با قوانین و مقررات مربوط به خود و محیط شهری تا بتوانند با آگاهی و دانش در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مشارکت داشته باشند.
- مشارکت شهروندان در پروژه‌های ساختمان‌سازی، ساخت معابر، پروژه‌های عمرانی و ...
- مشارکت شهروندان در فعالیت‌های ایمنی شهرها از طریق آموزش‌های لازم در سطح مدارس، محلات و مراکز دولتی مانند نیروهای بسیجی، اعضای هلال‌احمر و... برای کاهش آسیب‌پذیری در مقابل حوادثی همچون زلزله، سیل، آتش‌سوزی، جنگ‌ها و ...
- قدرتمند کردن و امکان مداخله شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مربوط به ساخت‌وساز.

References

- Abdollahi, M. (2012). *Crisis Management in Urban Areas*. Tehran: Publications of the Organization of Municipalities and Dignitaries of the country. (In Persian)
- Ahmadpur-e-Dariani, M. (2000). *Intreprenurship, definitions, theories, models*. (2nd Ed.). Tehran: Pardis Company Publication. (In Persian)
- Arab Ella Firooz, jah, A. (2011). The Role of Urban Development Plans (Comprehensive and Detailed) in Reducing the Babylonian Vulnerability of the Earthquake. Master's Thesis for Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian)
- Amini, E. (2004). Urban Role in Reducing Urban Vulnerability, International Conference on Earthquake (Bam Disaster Memorial). Kerman Shahid Bahonar University. (In Persian)

- Anabestani, A. (2009). The physical effects of second homes on rural development: Case Study: rural villas in Mashhad. *Rural & Development Journal*. 12 (4), 149-166. (In Persian)
- Bański, J., & Wesołowska, M. (2010). Transformations in housing construction in rural areas of Poland's Lublin region Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 94 (2), 116-126.
- Bovaird, T. (2005). Public Governance: Balancing Stakeholder Power in a Network Society. *International Review of Administrative Sciences*, 71 (2): 217-228.
- Burkpour, N. (2006). Urban Governance and City Administration System in Iran, First Conference on Urban Planning and Management. Mashhad, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Burkpour, N., & Basirat, M. (2011). *Proceedings of the First International Conference on Rural Settlements: Housing and texture (rural governance system)*. Tehran, Islamic Revolution Housing Foundation. (In Persian)
- Burkpour, N., & Asadi, I. (2011). *Urban Management and Management*. Tehran: Second Edition, Tehran Art University Press. (In Persian)
- Baycan-Levent, T. & Nijkamp, P. (2006). Quality of Urban Life: a Taxonomic Perspective. *Journal of Studies in Regional Science*. 36 (2), 269-281.
- Fornel, C., & Lacker, D. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error: Algebra and statistic. *Journal of Marketing Research*, 28, 39-50.
- Haus, M., & Heinelt, H. (2005). *How to achieve governability at the local level?* In M. Haus, H. Heinelt, & M. Stewart (Eds.), urban governance and democracy, 12-39, London: Routledge.
- Healey, P. (2015). *Planning Theory: The Good City and its Governance*. international Encyclopedia of the social & Behavioural sciences, 202-210.
- Ismailzadeh, H., & Sarafi, M. (2006). Place good governance in urban planning Tehran Metro project. *Quarterly journal of humanities*, 10 (1), 1-28. (In Persian)
- Kazemian, GH. (2007). Income on Urban Governance Model. *Urban Places*, No. 19-20, 5-7. (In Persian)
- Kadago, J., Sandholz S., & Ham Haber, J. (2010). Good urban governance, actor's relations and paradigms: Lessons from Nairobi, Kenya, and Recife, Brazil, 46th ISOCARP Congress
- Kardos, M. (2012). The reflection of good governance in sustainable development strategies, 8th International Strategic Management Conference, Procedia - Social and Behavioral Sciences 58.
- Mafunisia, M. (2004). The role of civil society in promoting good governance in the Republic of South Africa. *International Review of Administrative Sciences*, 70 (3).
- Torabi, A. (2004). Sustainable Urban Management in Good Governance, *Monthly Magazine of Municipalities*, (6) 69, 5-10. (In Persian)
- Maharyti, Y., Hosni Honzai, V., & Hamidi, M. (2012). Evaluation of Strategic Planning Based on Good Urban Governance (Comparative Study) of Tehran and Mashhad Planning, 4th Conference on Urban Planning and Management, Mashhad. (In Persian)
- Masoumi Rad, R. (2012). the role of good urban governance on urban quality of life. Good urban governance conference, Vol. I, Fall. Tehran. (In Persian)
- Moezzen, S. (2012). Evaluation of neighborhood management model based on desirable urban governance indexes: Evin neighborhood, Tehran, Master's thesis of geography and urban planning, Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Moussapur, A. (2005). Citizen Participation in Urban Planning. Master's Thesis for Urban Planning, Shahid Beheshti University of Tehran. (In Persian)
- Qa'ed Rahmati, S., Bastanifar, I., & Soltani, L. (2011). Study of the effects of congestion on earthquake-induced vulnerability in Isfahan. *Journal of Geography and Environmental Planning*, 22 (41), 169-190. (In Persian)

- Qa'ed Rahmati, S., Gandomkar, A., & Khoshkalampoor, A. (2013). Evaluation of Variable Variables Affecting Urban Housing Vulnerability to Earthquake (Case Study: Borujerd City), *Environmental Issue Quarterly*, 7 (24), 83-103. (In Persian)
- Qa'ed Rahmati, S., & Ghaneai, R. (2012). Analysis of the effect of Tehran's spatial expansion on increasing the earthquake-induced vulnerability (period: physical expansion of the last 200 years), *Quarterly Journal of Geographical Research*, 2, 169-190. (In Persian)
- Rajab doost, M. (2007). Urban management role in the physical development of urban areas (study: Fasa between the years 1981- 2001). Master's Degree in Geography and Urban Planning, Tarbiat Modares University, Tehran. (In Persian)
- Schmitter, P. C. (2002). Participatory governance arrangements: Is there any reason to expect it will achieve 'Sustainable and innovative policies in a multilevel context?' (51-70).
- Sarafi, M., & Abdollahi, M. (2008). Analysis of the concept of citizenship and its assessment of the laws, regulations and urban management. *Geographical research*, 61, 115-164. (In Persian)
- Sharifian Thani, M. (2001). Citizenship Participation, Urban Governance and Urban Management. *Urban Management Quarterly*, 8, 42-55. (In Persian)
- Shia, I. (2003). The Need for Urban Management Development in Iran. *Geography and Development Magazine*, spring and summer, 1, 37- 62. (In Persian)
- Taghvaei, A., & Tajdar, R. (2009). Income on Good City Governance in Analytical Approach. *Urban Management Quarterly*, 7 (23), 45-58. (In Persian)
- Talebi, K., & Dehghan Najmabadi, A. (2013). the impact of structural funds on entrepreneurial opportunity recognition. *Entrepreneurial development*, 6 (3), 76-86. (In Persian)
- Xue, M, a., & Ryuzo, O. (2012). Examination of Vulnerability of Various Residential Areas in China for Earthquake Disaster Mitigation. *journal of Procedia - Social and Behavioural Sciences*, 35, 369-377.

How to cite this article:

hatami nejad, H., Bazr Afkan, S., Arvin, M. (2017). On the Analysis of the Role of Good Urban Governance Model in Reducing Urban Housing Vulnerability against Earthquake. *Journal of Studies of Human Settlements Planning(JSHSP)*, 12(3), 599-617. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_535790_en.html

On the Analysis of the Role of Good Urban Governance Model in Reducing Urban Housing Vulnerability against Earthquake

Hosni hatami nejad

Associate Professor, Department of Geography & Urban Planning, Tehran University, Tehran, Iran

SHahram Bazr Afkan

M.A in Geography & Urban Planning, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

Mahmoud Arvin*

Ph.D Candidate, Geography & Urban Planning, Tehran University, Tehran, Iran

Received:11/12/2016

Accepted: 21/10/2017

Extended Abstract

Introduction

In the later development models which have been promoted by the international organizations, for improving the quality of urban life and achieving sustainable urban development, a pattern of good urban governance will be presented, on the basis of which, health, order and security, progress and welfare can be achieved, simultaneously. Theory of good urban governance which is accepted by elites and experts and is emphasized by international organizations, in particular, the UN Human Settlements Center which is called Habitat, intends to make cities more efficient, equitable, safer and more sustainable. According to the vulnerability of cities against earthquake, today one of attractive approaches crisis management in dealing with this natural phenomenon is addressing the issue of urban immunization and taking preventive measures to reduce the damage caused by earthquakes. Therefore, in this research, it is attempted to analyze the role of good urban governance be considered as a pattern of urban management in relation to reducing the vulnerability of housing.

Methodology

The present study is applied and also descriptive-correlation research in terms of purpose and also in terms of way of collecting data, respectively. In the data analysis, the structural equation modeling technique was used with smart pls 3 software to examine the conceptual model of the research. In this study, indexes such as (participation, justice, Consent and community-centered, efficiency and effectiveness, legitimacy, transparency, taking responsibility and accountability) were used by means of 38 questions. Given the subject of research, the population of the study is experts in urban planning program who were selected as 40 numbers as a sample using purposeful sampling.

Results and discussion

The result of studying the effect of the agreement index with respect to a path coefficient 0.305 and the value 7.6023 indicated that the agreement index has a positive and relatively weak effect on the housing vulnerability. In assessing the effect of justice index on housing vulnerability with a path coefficient 0.671 and the value 12.3833 t, it was found that justice index has a positive and meaningful effect on housing vulnerability. The path coefficient 0.731 and the value 3.94 t in the study of the effect of the role of legitimacy index indicated that this index has

* Corresponding author

Email: arvin.mahmood@ut.ac.ir

a positive and high impact. The results of analyzing the effect of the participation index on housing vulnerability with a path coefficient 0.658 and the value 8.27 t indicated that the participation index has a positive and meaningful effect on housing vulnerability. Analyzing the effect of the efficiency and effectiveness index with a path coefficient 0.419 and the value 7.07 t indicated that the efficiency and effectiveness index has a positive and meaningful effect on housing vulnerability. Analyzing the taking responsibility index with a path coefficient 0.627 and the value 9.96 t indicated that the taking responsibility index has a positive and high impact. The transparency index with a path coefficient 0.513 and the value 6.14 t has a positive impact on housing vulnerability, and the last index, the accountability index with a path coefficient 0.335 and the value 3.55 t, has a positive and relatively low impact on housing vulnerability. Regarding the path coefficients, it can be said that the legitimacy index has the highest impact and then, indexes of justice, participation, accountability, transparency, efficiency, effectiveness, accountability, and, at the end of them, the agreement index have the least impact on housing vulnerability.

Conclusion

Good urban governance and its components and indexes lead to physical development and increasing the safety of cities. Because in a good governance, turning the passive role of people into an active role and bringing people into the planning process and people's participation and facilitate it by inclusive urban management will lead to physical development. This will be a factor for the fair enjoyment of the resources and interests of power for all which will have taking responsibility and accountability. Parallel to this matter, the transparency of work and affairs will be increased and honesty and ethics are reflected in providing useful scientific and logical information. Finally, efficiency, effectiveness and performance go up. The set of these factors will result in an increase in the quality level of physical dimensions, sustainable development, urban rehabilitation, increasing safety, and empowerment of citizens. Therefore, good urban governance as a way of managing urban affairs which aims in reducing corruption, improving quality of livelihood and increasing the possibility of life for all citizens, creates opportunity and equipment for people, and enhances security and sustainability, and builds safe and sustainable cities. It reduces the housing vulnerability and creates cities that are resistant to potential dangers.

Key words: Good Urban Governance, Urban Housing Vulnerability, Urban Management, Earthquakes, Structural Equation Modeling